



8 اکتوبر 2020

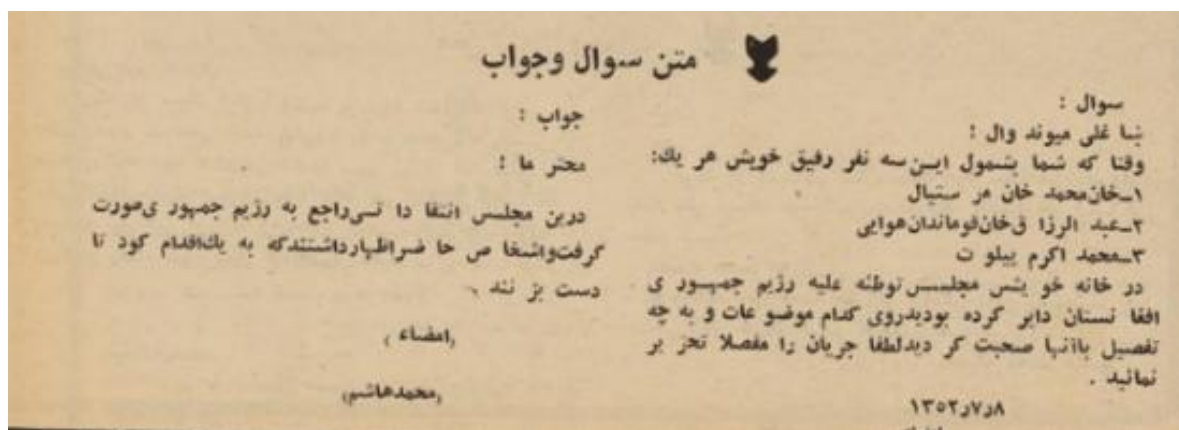
داکتر سید عبدالله کاظم

## دست های مرموز در شهادت میوندوال

(بخش ششم)

بخشی از اعترافات محمد هاشم میوندوال منتشره جراید و روزنامه ها:

اگرچه کاپی اسناد منتشره اعترافات میوندوال در ضمیمه اخیر این نوشته بغرض مزید معلومات درج میشوند، اما لازم است مختصر تذکری در اینجا نیز تقدیم گردد: بتاريخ 12 میزان 1352 بعضی از روزنامه های کشور از جمله روزنامه جمهوریت، انیس، اصلاح، هیواد و کابل تایمز و تعدادی از جراید با تبصره های مشابه کاپی یک قسمت اسناد میوندوال را که به قلم خودش نوشته و امضاء شده بود، به نشر سپردند که کاپی محتوای سوال و جوابهای منتشره چنین است: (اصل قلمی در ضمیمه دیده شود)



د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څير و لولئ

**متن سوال و جواب**

**سوال:**  
 بناغلی میوند وال  
 قراریکه در سوال قبلی اذتضا برسیده شده که ترتیب  
 بلان و صورت غلی شسه نژودتا را با صحبت که بیسن  
 شیا ورفقا، همد ستوشربانشما صورت نگر فته طو و  
 مفصل بیان داریه سعی ورزیدتا گفتار هر کدام از رفقا  
 را بخاطر خویش آورد و هم چنان صحبت که از طسرف  
 شیا در زمینه صورت نگر فته تفصیل دهید .

۱۳۰۲۷۷۸  
 (امضاء)

**جواب:**  
 محترم ما  
 هریک از آنها در باره مسلک خود سخن میزدند و از  
 نقطه نظر مسلک خود تشریح مینمودند. تفصیل هر فشان  
 بیادام نیست .  
 اعضاء معهد ما شم  
 مکررآنکه خان معهد خان از آنادگی قوای زمینی و  
 تبدالی زانی خان از قسوی هوایی صحبت کردند.  
 اعضاء معهد هاشم

**متن های سوال و جواب**

**سوال:**  
 بناغلی معهد ما شم  
 میوند وال  
 قراریکه شما در جواب  
 خویش تحریر نموده اید که  
 در مجلسکه علیه رژیم  
 جمهوری افغانستان در منزل  
 شما تشکیل شده بود دعوتکب  
 اشتیاقی شده بود بد اشتیاقی  
 راکه درین مجلس تو طئسه  
 علیه رژیم جمهوری تحت  
 رهبری شما تشکیل شده بود  
 اسما معرفی نماید. (امضاء)

**سوال:**  
 بناغلی میوند وال  
 شما از سه نفر در جواب  
 خویش نام برده اید لطفا  
 واضح سازید که این سه نفر  
 چه کاره اند و از چقدر وقت  
 با اوئنا ن مر فت و اشتیاقی  
 بودند.

**جواب:**  
 درین مجلس که در و رق  
 جداگانه اقرا فیه نوشته ام  
 چنانچه در جریان تحلیفات  
 معلوم شده است خان معهد  
 خان و عبدالرزاق خان معهد  
 اکریم خان بیلو ت حاضر  
 بودند.

۱۳۰۲۷۷۸  
 (امضاء)

**جواب:**  
 محترم ما  
 باخان معهد خان و عبدالرزاق  
 خان در او را ق گذشته گفته ام  
 و محمد اکرم خان را چندیما از  
 چند شب گذشته مر فر شدم  
 خان معهد خان همان خان  
 معهد خان مشهوره مر ستیال  
 و عبدالرزاق خان همان قوماندان  
 هوایی سابقه است .  
 معهد هاشم  
 میزان

**متن سوال و جواب**

**سوال:**  
 بناغلی معهد ما شم  
 میوند وال  
 بنا علی معهد ما شم میوند وال  
 طوریکه شما مخلوق شمس الطهار دانستید که دلایل کافی  
 غرض ایات علیه شما موجود است و علاوه نمودید که بنا  
 اینکه شهادت محمد اکرم بیلو ت راکه دارای تمام صفات  
 مگول شهادت بود استماع نمودید که اگر شهادت یکن  
 دیگر از رفقا منم خود را استماع ننمایانک با کسر  
 خواستی شما خود سه شهادتیر است و شما باید تحریر  
 نمایند که این موضوع را به تاملین خویش در محکمه اراته  
 نکرده بلکه آرزوی خود شما است پس عاین اساس باید  
 سده تعری بر روی زمینه تحریر نمایند ؟

۱۳۰۲۷۷۸  
 (امضاء)

**جواب:**  
 محترم ما  
 چون شما فرمودید که این شخص منم شهادت می علیه  
 من موجود است و منو اید آ زار این نشو ایلمن باشلشن  
 آواز نیت شده این شهادت اقرا فر نامیم .  
 و در محکمه اقرا فر نامیم  
 چونکه خواهشی خود مسن بوده است .  
 معهد هاشم  
 معهد هاشم

**متن اعتراف میوند وال**

هیئت محترم تحلیق  
 قراریکه در چند شب جریان  
 تحقیق اظهار فرمودید که دلایل  
 زیادی علیه من وجود دارد  
 و شواهد هم موجود است که  
 من در خانه خود مجلس لریب  
 نموده بودم که در آن یکسده  
 اشخاص موجود بودند و در  
 آنجا تو طئ علیه رژیم جدید  
 شده است من اعتراف میکنم که  
 در ترتیب چنین مجلس مسن  
 مر تکب اشتیاق بزرگی شده ام.  
 اعضاء معهد ما شم  
 میزان  
 ۱۳۰۲۷۷۸

**بدون سوال خودش قلم و کاغذ خواست و این اعتراف نامه را نوشت**

هیئت محترم تحلیق  
 قراریکه چند شب پیش از این در منزل  
 من در خانه خود مجلس لریب  
 نموده بودم که در آن یکسده  
 اشخاص موجود بودند و در  
 آنجا تو طئ علیه رژیم جدید  
 شده است من اعتراف میکنم که  
 در ترتیب چنین مجلس مسن  
 مر تکب اشتیاق بزرگی شده ام.  
 اعضاء معهد ما شم  
 میزان  
 ۱۳۰۲۷۷۸

د پانو شمیره: له 2 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
 یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له ریلرلو مخکې په خیر و لولئ

## همه متهمان ادعا داشتند که اعتراف از آنها بزور گرفته شده است!

هنگامیکه اینجانب با تعدادی از استادان پوهنتون کابل دو ماه و چندی بعد از کودتای 7 ثور 1357 از طرف رژیم خلقی - پرچمی به اتهام فعالیت سازمان یافته علیه رژیم در اواخر ماه سرطان 1357 بازداشت شدیم و بعد از تحقیقات به زندان پلچرخ انتقال یافتیم و تا اواخر ماه جدی 1358 در زندان سیاسی (بلاک اول) زندانی بودیم، در ماه عقرب همان سال تعدادی از زندانی های منسوب به کودتای میوندوال را نیز از یک قسمت دیگر آنجا به بلاک ما انتقال دادند که شامل هشت نفر ذیل بودند: دگر جنرال عبدالرزاق خان، جنرال نیک محمد خان سهاک، ممتاز خان پیلوت، حاجی فقیر محمد وکیل، جنت خان غروال، عبدالحنان خان جاجی، سیدهاشم خان کاموال پیلوت و اسلم خان شینواری. این گروه را در همان دهلیز غربی منزل دوم در اتاقهای بزرگ جا دادند که اینجانب با تعدادی دیگر در یکی از آن اتاقها برای شش ماه یکجا بودیم. در آنوقت با آوردن یک پایه تلویزیون کوچک در دهلیز آن قسمت و سایر دهلیزها اجازه داده بودند که برنامه های تلویزیون را از ساعت 6 شام تا ختم آن تماشا کنیم و با استفاده از فرصت باهم صحبت های خصوصی داشته باشیم. با بعضی از زندانی های فوق الذکر چون شناخت قبلی داشتیم، گاهی هم درباره چگونگی برخورد حین تحقیق باهم صحبت میکردیم. همه آنها می گفتند که از آنها بوسیله تهدید و فشار و لت و کوب اعتراف گرفته شده است و آنها از اینکه در کودتا دست داشتند، انکار میکردند.

طبیعی است که هیچکس به گناه خود اعتراف نمیکند، چنانکه گروه ما استادان نیز به برنامه ضد رژیم که در پیش داشتیم، هرگز معترف نشده و از همه چیز انکار کرده بودیم و با وجود وارد کردن فشارهای غیرقابل تصور، باز هم هیئت های تحقیق نتوانستند از هر یک ما اعتراف ضدیت با رژیم را بدست آورند و اما خود میدانستیم که چه میخواستیم انجام دهیم، چون واضح بود که در صورت اعتراف سرنوشت ما اعدام بود و بس! لذا در آنوقت که هنوز رژیم خلقی - پرچمی به اصل "بگیر و ببند" مصروف و اصل "بگیر و بکش" بسیار عام نشده بود، ما را زندانی کردند که بعد از تقریباً 18 ماه در آغاز دوره ببرک کارمل و تهاجم قوای شوروی زیر نام به اصطلاح "فوع عمومی" همه بشمول زندانی های "کودتای میوندوال" رها شدیم؛ تنها از جمله آنها جنت خان غروال یک سال قبل بطور فوق العاده رها گردیده بود.

سالها بعد با دگر جنرال عبدالرزاق خان که در ایالت ورجینیا - ایالات متحده امریکا با خانواده خود اقامت داشتند، دوبار دیدار کردم، ضمن صحبت گفت که کتاب خاطرات خود را در دست نوشتن دارد. بعدها این کتاب در کابل سال 1384 به چاپ رسید و وقتی آنرا مطالعه کردم، ایشان باز هم در آن کتاب اشتراک در کودتا را رد کردند، چنانچه در آن کتاب نوشته است: «وقتی مرا بار دیگر از محبس به وزارت داخله بردند و در آنجا تحقیقات را شروع کردند، گفتند که شما کودتا میکردید، برای شان گفتم که نه کودتا میکردیم و نه با کسی مخالفت داشتیم، به رئیس جمهور احترام دارم از حالا نه بلکه از زمان شاه آبادی و آرامی افغانستان را آرزو داشتیم. در این وقت فیض محمد وزیر داخله آمد. کسانیکه تحقیق میکردند، به وزیر داخله گفتند که چیزی را ما میخواهیم آنها نمی نویسند. وزیر داخله گفت: چرا جواب نمی نویسی؟ گفتم من چه بگویم، به چیزی که نکرده ام، شما میخواهید اعتراف کنم و بگویم که کودتا میکردم. در حالیکه نه من کودتا میکردم و نه هم کودتایی در میان بود. این یک دسیسه است که برای من ساخته شده. [وزیر داخله] گفت که اگر به رضایت دل بگوئید، خوب و اگر نه بزور از شما اعتراف میگیرم. من گفتم که : شما زور دارید، اما ما کاری که نکرده باشیم، یقین کنید ما هیچگاه

د پانو شمیره: له 3 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

اقرار نخواهیم کرد. هر چه که میکنید، بکنید!» (دگر جنرال عبدالرزاق: "افغانستان در جریان زندگی من"، کابل، 1384، صفحه 118 - 119)

در اینجا بيمورد نخواهد بود که درباره روابط نزدیک دگروال زرغون شاه خان شینواری با شهید میوندوال حتی از زمان صدارت او بدانسو مطالب را از انجنیر سلطان جان کلیوال که یکی از اقارب نزدیک ماما زرغون شاه خان میباشد، نقل قول کنم که طی یک مقاله خود بیان کرده است. او در صفحه 13 آن می نویسد (مقاله به پشتو است و اینک ترجمه تحت الفظ آن تقدیم میشود): «با میوندوال روابط او [ماما زرغون شاه] از بسیار وقت قبل دوستانه بود و در وقت صدراعظمی او این روابط به غرض بعضی مشوره های خاص باز هم نزدیک تر و مهمتر شد.» انجنیر کلیوال در ادامه درباره آخرین دیدار ماما زرغون شاه که یک سال قبل از کودتا با محمد داؤد در شهر جلال آباد صورت گرفته بود، می نویسد: «او در این دیدار خود با داؤد خان چندان راضی و خوش معلوم نمی شد، بلکه همیشه این تشویش را داشت که الله فضل کند در این ملک یک غم روان است؛ او با تأسف این را هم می گفت که: "اینطور معلوم میشود که سردار صاحب به چال و فریب بیگانه ها و دشمنان همیشگی این ملک گرفتار شده است، افکار او همه متفاوت معلوم میشود، می ترسم که این وطن را در دهن کدام بلا نیندازد"..... چند روز بعد که داؤد خان امور ریاست جمهوری و صدارت در دستش بود، کابینه را اعلان کرد، از کابینه معلوم شد که در وجود داؤد خان موضوع استعمار سرخ معلوم گردیده و در تمام کابینه به استثنای چند تن کدام موضوع دیگر دیده نمی شد که به درد ملت بخورد و یا کدام شخصیت قابل قبول در آن باشد. ملت با این کار سردار صاحب فهمید که سرنوشت ما بدست کی است و به کدام طرف روان هستیم...» (کتاب: "دروند کور درنی خبری"، به اهتمام انجنیر سلطان جان کلیوال، پشاور 1378، صفحات 15، 16 و 17)

از نوشته فوق واضح میشود که ماما زرغون شاه خان با میوندوال از ابتدای صدارتش دوست و همکار بود و از دیدار با محمد داؤد حتی یک سال قبل از کودتای 26 سرطان دل خوش نداشت و این ناامیدی او پس از کودتا و معرفی کابینه و شرکت بعضی عناصر چپ در آن موجب نگرانی او گردیده بود که با این احساس در اشتراک او در حلقه اول پلان کودتا با خان محمد خان مرستیال و واقعیت کودتا منطقیاً شک و تردیدی باقی نمی ماند.

#### چرا میوندوال از دوستی با محمد داؤد و حمایت از نظام جدید یکدم تغییر موقف داد؟

صبح الدین کشکی از روابط دوستانه بین سردار محمد نعیم و میوندوال از سالهای قبل از 1953 هنگامیکه محمد نعیم به حیث سفیر افغانستان در واشنگتن ایفای وظیفه میکرد، میوندوال با او همکاری نزدیک داشت و اعتماد به میوندوال در بالا رفتن نردبانهای سیاسی از همین دوستی ریشه گرفت تا جائیکه میوندوال در ده سال صدارت محمد داؤد به مقامهای مهم در ساحه سیاسی مقرر گردید، در کتاب مشهور خود "دهه قانون اساسی..." شرحی دارد که در یک قسمت آن می نویسد: «پادشاه با رویکار آوردن میوندوال بحیث صدراعظم در عین حال میخواست برای ترمیم روابط با محمد داؤد استفاده کند... میوندوال که در همه مدت با دو برادر روابط صمیمی داشت، در هنگام صدارت خود نیز سعی کرد تا اختلافاتی را حل کند که بین محمد داؤد و حکومت [در دوره داکتر محمدیوسف] بمیان آمده بود... او [میوندوال] باری گفته بود که: "بهمین دلیل است که در نظر دارم داکتر سهیل [یکی دوستان نزدیک محمد داؤد] را بحیث سفیر در چین مقرر کنم."» (کشکی، صباح الدین: "دهه قانون اساسی - غفلت زدگی افغانها و فرصت طلبی روسها"، چاپ سوم، پشاور، 1377، صفحه 50)

د پانو شمیره: له 4 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلپیکي د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی

گذشته از نزدیکی میوندوال با دو برادر، بین محمد داؤد و میوندوال از نظراهداف و مرامهای سیاسی یک نوع تشابه نسبی فکری نیز موجود بود. نگاهی مقایسوی بین بیانیه های محمد داؤد بخصوص بیانیه "خطاب به مردم" و بیانیه که درلویه جرگه 1355 ایراد کرد با بیانیه معروف و مطول میوندوال هنگام صدارتش به مناسبت چهل و هشتمین سال استقلال کشور که از رادیو افغانستان پخش گردید و این بیانیه در حقیقت "مانیفست" حزب دیموکرات مترقی را انعکاس میداد، تشابه نظریات آن دو را واضح می سازد؛ البته با این تفاوت که میوندوال در نظام شاهی آن بیانیه را ایراد نمود و لذا پادشاه را مظهر وحدت ملی و رهنمای ترقی کشوردانست که البته بعد از صدارت از آن اصل خود عدول کرد، در حالیکه بیانیه محمد داؤد در شرایطی ایراد شد که نظام جمهوری در کشور حکمفرما شده بود. ولو که میوندوال برنامه خود را زیر عنوان "دیموکراتیک مترقی" اعلام نمود، اما در شرح و بسط آن میتوان به وضاحت نقاط مشابه را پیدا کرد. (برای شرح مزید دیده شود دو مقاله از این قلم منتشره افغان جرمن آنلاین: یکی "سوسیالیزم - وجه مشترک بین نظریات میوندوال و داؤد خان"، مورخ 25 مارچ 2015؛ و دیگر مقاله "تبصره دوستانه بر دو مقاله درباره تشابه نظریات داؤد خان و میوندوال"، مورخ 25 اپریل 2015)

همین تشابه فکری و از همه مهمتر سوابق دوستانه میوندوال با محمد داؤد و بخصوص با شخص محمد نعیم خان موجب شد که میوندوال پس از اطلاع از تغییر نظام، بصورت فوری از خارج به کشور مراجعت کند و در میدان هوایی کابل با شور و شغف، احساسات نیک خود را در برابر نظام جدید ابراز نماید و چند روز بعد نیز به ملاقات محمد داؤد و محمد نعیم برود و از همکاری خود با آنها اطمینان دهد و حتی موصوف در یکی از جوابهای خود حین تحقیق نوشت که: «حسب وعده ای رئیس دولت منتظر بود سهمی در همکاری با رژیم بگیرد.»

اینکه آیا میوندوال واقعاً از عمق دل از تحول فوق در افغانستان مشعوف و از آن حمایت میکرد و یا اینکه در ما فی الضمیر به چیزی دیگر فکر داشت، سؤال نیست که او ولو به حیث یک سیاستمدار چنان تظاهر را پیشه کند و دل و زبانش در دو مسیر متفاوت حرکت کند، جای تعجب است. به هر حال اینکه او چرا طی سفر خود پس از آنکه به دیدار یک شخص مخالف خود یعنی میر محمد صدیق فرهنگ - آنوقت سفیر در یوگوسلاویا به آنجا رفت و از وقوع کودتا اطلاع حاصل کرد و باز هم از آنجا به بغداد آمد تا استاد خلیلی سفیر افغانستان در آنجا را ملاقات کند و چون در آنوقت سفیر مذکور در بغداد نبود، از آنجا به کابل آمد و در میدان هوایی کابل از تحول جدید در افغانستان حمایت نمود، همه سؤالهایی اند که با موقف بعدی او در مخالفت با رژیم جمهوری همسوئی ندارند. اینکه او چگونه 180 درجه تغییر ذهنیت داد و با خان محمد مرستیال و گروپ او داخل مفاهمه شد و وعده همکاری داد، باز هم سؤال نیست که به مشکل میتوان به آن جواب داد، اما به وضاحت معلوم میشود که اساساً او طراح اصلی و آغازگر چنین اقدام و مفکوره نبود و کلید همه این افکار در دست جنرال خان محمد مرستیال می چرخید. همانطوریکه دگر جنرال عبدالرزاق خان در اعترافات رسمی خود گفته بود: «آرزوهای انسان برای بهبود یک چیز است، خوب از اینکه من لغزش کردم بلکه من سهو کردم به سهو خود نادم هستم..... گفتم که همان آرزوهای بشر است، آرزوی جاه طلبی و خود خواهی...»

حامیان و دوستان شهید میوندوال در این مورد موضوع دموکراسی و دیکتاتوری را مطرح می سازند که گویا محمد داؤد با دموکراسی چندان سازگار نبود و آنرا تابع شرایط ذهنی و مادی کشور میدانست و تا رسیدن بیک مرحله که ملت و جامعه آماده چنان شرایط گردند، تا آنوقت باید نخست زمینه ها را

برای به ثمررسانیدن "دموکراسی واقعی" مساعد ساخت، در غیر آن نام از دموکراسی و کام از انارشی خواهد بود، ولی هواداران حزب "دموکرات مترقی" (مساوات) با در نظر داشت اساسات مندرج بیانیه مشهور میوندوال به مناسبت تجلیل از چهل و هشتمین سالگرد استرداد استقلال کشور به اصل "دموکراسی" استناد کرده و آنرا متمایز از نظر محمد داؤد می دانند و با حمایت از شعار "دموکراسی" از موقف میوندوال بدفاع برخاسته و به نحوی اشتراک موصوف را در پلان کودتا منطقی دانسته و غیرمستقیم از موفق او در این اقدام حمایت میکنند. بعضی دیگر به دلیل اینکه در بین کودتا چیان تعدادی منسوب به جناح چپ طرفدار مسکو بوده اند و آنرا نشانه ای از میلان نظام جمهوری و شخص محمد داؤد به جناح چپ وانمود میکردند، نیز یکی از انگیزه هایی بود که بعضی ها زیر تأثیر تبلیغات جاری پاکستان قرار گرفته و نگران آینده شده بودند و با عجله در صدد براندازی فوری نظام برآمدند. بهر حال جای تعجب است که چگونه یک شخصیت آگاه سیاسی به این سادگی در دام این تذویر افتاد و تغییر موقف داد.

(ادامه دارد)

---

د پانو شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ